



دردم

جناب برادر دکتر عباس خامنه‌ای یار ما را در تحقیقات و روابط فرهنگی بنیاد شهید و سردبیر مجله شاهد یاران «دامت برکاته» با سلام و درود، موفقیت و کامیابی شما را از خداوند متعال خواستارم و آرزوی دیدار با شما را دارم. از شما به خاطر اعتمادی که به من داشته‌اید و خواهان انجام گفتگو درباره شخصیت امام شهید آیه الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر (قدس سره) شده‌اید تشکر می‌کنم. آیت الله صدر رهبری توانا بود که همه ویژگیهای کمال و برتری را با اوچ فروتنی در پیشگاه خداوند متعال و اولیای با اخلاص در خود جمع کرده بود. خوشحالم از اینکه به سؤالیهای جنابعالی پاسخ دهم؛ هر چند می‌دانم واژه‌ها نمی‌توانند مرا در توصیف این شخصیت بزرگوار یاری کنند؛ بنابراین از کوتاهی در بیان خود و ناتوانی از ایفای وظیفه خود در ادای حقی که آن شهید برگردن من دارند؛ عذر خواهی می‌کنم.

پاسخهای حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمد یزک به پرسشهای شاهد یاران

واژه‌ها نمی‌توانند مرا در توصیف شخصیت او یاری دهند...

می‌گفتند و مرا در انجام این کار تشویق می‌کردند. یکی از سفارشهای بسیار شایسته ایشان این بود که به من گفتند: «شما و هر مبلغ دیگری وظیفه دارید مردم را به حوزه علمیه ارتباط دهید تا حوزه عهده دار مرجعیت و رهبری مردم شود. مردم به کسانی نیاز دارند که این ارتباط را برقرار کنند». در تابستان سال ۱۳۷۹ با ایشان گفتگو کردم و اطلاع دادم که می‌خواهم به لبنان بروم و شاید دیگر نتوانم بازگردم؛ از این رو ناچار خواهم بود منطقه‌ای را که در آن تبلیغ می‌کردم ترک گویم. ایشان به من گفتند تصمیم با خود شماست؛ ولی من دوست دارم شما بمانید و حتی اگر ناچار باشید تنها این کار را انجام دهید؛ نقش تبلیغی خود را ایفا کنید. نکته مهم این است که مردم، شما را در شهر ببینند. شهید آیت الله محمد باقر صدر (قدس سره)، مردم و به ویژه دانشجویان خود را بسیار دوست می‌داشتند. ایشان به فروتنی و تواضع و خوشرویی و اخلاق محمدی و دانش و پرهیزکاری و تقوی و موضعگیری شجاعانه و انسانی شهره بودند.

فعالیت‌های فرهنگی عمده شهید محمد باقر صدر (قدس سره) چه بودند و این فعالیتها چه تأثیری از خود به جای گذاشتند؟ آیه الله محمد باقر صدر در خانه تقوی و علم و فرهنگ زندگی می‌کردند و از اوضاع و شرایطی که در آن به سر می‌بردند، آگاهی بسیار داشتند. ایشان از تهاجم فرهنگی و طرحهای دشمنان برای هدف قرار دادن کیهان حوزه‌های دینی و دور کردن آنها از زندگی مردم، رنج می‌بردند و از این رو، با فرهنگهای وارداتی و مسائلی که تجدد تلقی می‌شوند؛ ولی در واقع برای جدا کردن اسلام و دین از متن زندگی مردم طراحی شده‌اند؛ برخورد جدی داشتند.

مجله «سالتنا» که سرمقاله آن با قلم شریف ایشان و با همکاری تنی چند از علمای فاضل و برجسته حوزه نوشته می‌شد و نیز مجله انصواء که همچون نور انتشار می‌یافت؛ غبار از چهره احکام اسلامی می‌زدودند و به مقایسه میان فلسفه قدیم و جدید و مقابله با آرای معرفت‌شناسی و جامعه‌شناسی و اقتصاد و جامع‌الاطراف بودن مکتب اسلام در رهبری جامعه می‌پرداختند.

حالی که خرسندی در چهره‌شان نمایان بود؛ آن را به من پس دادند و برایم آرزوی موفقیت کردند. من در درس فقه، خارج، ایشان شرکت کردم و روابطمان صمیمی‌تر شد. برای بهره‌گیری از مجلس ایشان، در دیدارهای عمومی شرکت می‌کردم. شهید صدر همیشه توجه به مردم و مسائل آنها را به ما توصیه می‌کردند و می‌گفتند: «عالم نباید خود را از مردم جدا کند. فروتن باشید تا خداوند شما را بالا ببرد.»

ایشان همیشه درباره اوضاع مردم و طرحهای دشمنان سخن می‌گفتند و تأکید داشتند که حوزه علمیه باید در برابر همه طرحهای دشمنان ایستادگی و اسلام را در شکل واقعی خود اجرا کند. ایشان همیشه به ما می‌گفتند: «هیچگاه مردم را فاسق ندانید. سعی کنید نادانی را برطرف کنید.» ایشان همیشه بر گفتگو و احترام به اندیشه‌ها و افکار دیگران و وحدت مسلمانان تأکید داشتند. هنگامی که عده‌ای می‌خواستند برای تبلیغ به مناطق مختلف بروند؛ درباره این موضوع به ایشان مراجعه کردم. شهید بزرگوار با من سخن

از چه تاریخی با شخصیت شهید آیه الله سید محمد باقر صدر (قدس سره) آشنا شدید؟ ویژگیهای ایشان را چگونه دیدید؟

در سال ۱۳۶۶، در پی توفیق و خواست خداوند در زیارت مرقد مولا امیر المؤمنین علی (ع)، عازم حوزه علمیه نجف اشرف شدم و سپس، در کنار تنی چند از برادران، در مدرسه لبنانی به تحصیل پرداختم. برخی از دوستان با امام سید محمد باقر صدر (قدس سره) که از نظر شخصیت و دانش و فروتنی زبائند همگان بودند؛ آشنائی داشتند. برخی از طلاب صراحتاً می‌گفتند که ایشان مرجع تقلید ویژه آنهاست. من در آن زمان شیفته شنیدن موضوعات تازه بودم؛ اما شرم داشتم پرسیم که آیا می‌توانم خدمت ایشان شرفیاب شوم یا نه. پس از گذشت چند ماه، بر اشتیاقم برای دیدار ایشان افزوده شد؛ از این رو از یکی از دوستانم پرسیدم که آیا می‌توانم به دیدار آیه الله صدر بروم. یانه. او لبخندی زد و گفت که در خانه ایشان به روی همه باز است. به آنجا رفتم. باور نمی‌کردم که به دیدار ایشان نائل خواهم شد. در خیالم، تصاویری را از این دیدار نقش زده بودم. وارد اتاق شدیم. ایشان روی قالیچه‌ای نشسته و چند کتاب را در برابر خود نهاده بودند. چند تن از شاگردانشان هم دور ایشان حلقه زده بودند. ایشان مرا در آغوش گرفتند و به سینه خود چسباندند. احساس کردم در آغوش پدری هستم که در غربت جویای او بوده‌ام. بردست ایشان بوسه زدم. خرسندی در دلم موج می‌زد. ایشان به من گفتند: «شما می‌توانید نزد من بیایید. من طلاب را دوست دارم و زندگی‌م وقف آنهاست.» از آن پس، فرصت را غنیمت شمردم و از آن پس، در فرصتهای مقتضی، نزد ایشان می‌رفتم و مسائل را استفتاء می‌کردم. ایشان گاهی مطالب مرا تصحیح و به ممارست بیشتر، تشویق می‌کردند. در کلاسهای درس ایشان که درباره زندگی امامان (ع) بود و در روزهای تعطیل در مقبره آل یاسین برگزار می‌شد؛ حضور می‌یافتم. بعدها توفیق پیدا کردم در دومین دوره اصول، بحث خارج ایشان حضور یابم. پس از چند ماه دفترم را که در آن درس ایشان را ثبت می‌کردم؛ از من خواستند و پس از آنکه مطالعه کردند؛ در

ایشان همیشه درباره اوضاع مردم و طرحهای دشمنان سخن می‌گفتند و تأکید داشتند که حوزه علمیه باید در برابر همه طرحهای دشمنان ایستادگی و اسلام را در شکل واقعی خود اجرا کند. ایشان همیشه به ما می‌گفتند: «هیچگاه مردم را فاسق ندانید. سعی کنید نادانی را برطرف کنید.»





قرار می گیرند و به بیراهه می افتند؛ لذا بسیاری از دانشگاسه‌میان، نظریه پردازان، روشنفکران و نواندیشان دینی، برای مقابله با این جریان‌ها به ایشان رجوع می کردند تا آنها را پذیرا شوند و سرپرستی‌شان را به عهده بگیرند. شهید صدر بی تردید بزرگ‌ترین نقش را در ایجاد پیکار اسلامی سازمان یافته و پیشرفت آن داشتند و همه مدیون اندیشه و آموزه های ایشانند. به رغم وجود دیگر مراجع تقلید در نجف، چه عواملی باعث ورود شهید صدر به عرصه مرجعیت شدند؟ برتری علمی و توانایی و قدرت بالای پاسخگویی به سئوالاتی که بنا بر مقتضات زمانه مطرح بودند، دلیل عمده مراجعه مردم به ایشان و پیروی از ایشان بود. دانشجویان دانشگاهها و طلاب علوم دینی در نجف اشرف که شرایط زندگی خود را در آن محیط درک می کردند؛ راه حل مشکلات خود را به ویژه با توجه به طرح اصلاحی شهید صدر در باره وضعیت حوزه و چگونگی شرایط مسلمین و اندیشه بازی که وی الگوی راستین آن بود؛ در مراجعه به ایشان می دانستند. استقبال از مرجعیت شهید صدر (ره) تا چه میزان بود و به نظر شما چه تأثیری در دیگر کشورهای شیعه

داشت؟

همه کسانی که از اندیشه ها و نقطه نظرها و مواضع شهید صدر (قدس سره) آگاهی داشتند؛ از مرجعیت ایشان استقبال کردند؛ رهبریشان را پذیرفتند و طرحهای ایشان را پاسخگویی خود که تشنه معرفت و به دنبال مقابله با اندیشه های مادی و الحادی بودند؛ یافتند. آنها خواهان مرجعی بودند که مقتضیات زمانه را بشناسد و توان پاسخگویی به معضلات دنیای معاصر را داشته باشد؛ از همین رو، طلاب شهید صدر، حامل پیام مرجعیت ایشان در عراق و لبنان و ایران بوده اند. نظر شهید سید محمد باقر صدر (ره) را در باره انقلاب اسلامی ایران بیان کنید.

موضوعی را از ایشان به یاد دارم که نقطه نظر شریفشان را

منعکس می کرد. در شب ۱۱ ماه فوریه سال ۱۹۷۹، بعد از غروب، در مسجد جواهری انتظار آمدن ایشان را می کشیدیم، وقتی بر ما وارد شدند؛ ملاحظه کردیم که بشاشت در چهره مبارک ایشان نمایان است. ایشان به محض اینکه نشستند، گفتند: «امشب درس را تعطیل می کنیم؛ چون پیش از آنکه نزد شما بیاییم؛ به من خبر رسید که آخرین دژهای شاه در ایران سقوط کرده است. آنچه به دست امام خمینی (ره) روی داده، آرزوی دیرین پیامبران (ص) بوده است. ما این پیروزی بزرگ را به ایشان و به ملت ایران و امت اسلامی تبریک عرض می کنیم.

شهید محمد باقر صدر (قدس سره) تحقق آرزوهای خود را در آنچه که امام خمینی (ره) انجام دادند؛ می دیدند. امت به رهبر نیاز دارد و امام، امر رهبری را با موفقیت انجام دادند؛ این رهبر، شهید صدر عقیده داشتند که همه باید در این رهبری حکیمانانه که در خداوند متعال ذوب شده است؛ ذوب شوند. از مکاتباتی که میان ایشان و امام (ره) می شد؛ میزان عشق و جانبنداری و فرمانبرداری و ایشار در راه اسلام عزیز مشخص است.

شهید صدر با نوشتن قانون اساسی و نوشته هایی در زمینه های دیگر، می خواستند روشن کنند که انقلاب با برکت اسلامی ایران، برای امت اسلامی ارمانهای گرانبهائی دارد. مشابه سازی پایه گذاری دولت اسلامی در عراق به عنوان الگو برداری از حکومت اسلامی ایران تا چه میزان مورد نظر و تأیید شهید صدر بوده است؟

شهید صدر دولت اسلامی در ایران را با همه ابعاد و با آگاهی از مبانی آن درک می کردند. ایشان این احساس را در مواضع خود و با به چالش کشیدن طاغوت مجسم ساختند. شایعه پیوستن سران رژیم عراق به اربابان خود، یعنی استکبار جهانی، بدین معنا بود که آنها با وجود خمینی دیگری در عراق مخالف بودند. به نظر ما، حکومت اسلامی همچنان به عنوان یک الگوی زنده برای حاکمیت اسلام عزیز باقی خواهد ماند و ما امیدواریم نقطه نظرهای رهبران عراق یکبارچه شود و کشور از فتنه ها و گرفتاریها و از لوٹ وجود اشغالگران نظامی رها شود و عراقی نوین بر پایه حکومت اسلامی تشکیل شود که در آن پیروان تمامی فرقه ها و مذاهب بتوانند با برخورداری از عدالت اسلامی، خوشبختی و عزت را تجربه کنند. به نظر شما مراکز علمی و دانشگاهی جهان اسلام از اندیشه ها و عقاید شهید محمد باقر صدر (قدس سره) چه بهره هایی می توانند ببرند؟

مطالعه و بررسی در باره آرا، نظریه ها و عقاید و تحلیلهای شهید صدر (قدس سره)، وفاداری به اسلام و احیای میراث شهیدان است و تعمیم آنها برای تمام کسانی که می خواهند از نگرش نوین اسلامی برخوردار باشند؛ مفید خواهد بود. متأسفانه باید گفت که شهید صدر (قدس سره) مظلوم بود و امت اسلام و جهان از اندیشه ها و عقاید ایشان محروم ماند؛ از این رو ما آرزو داریم نهادهای علمی به انجام این مأموریت مبارک اقدام کنند. با توجه به گسترش قدرت کمونیستها در سراسر کشورهای عربی در آن زمان، نوشته های شهید محمد باقر صدر (قدس سره)، به ویژه کتابهای «اقتصادنا» و «فلسفتنا» چه تأثیری بر کشورهای اسلامی داشتند؟ بدون تردید کتابهای «اقتصادنا» و «فلسفتنا» نقش عمده و برجسته ای در دانشگاههای عراق و در دیگر کشورها داشته اند و همین نوشته ها، در زمانی که بیگانگان، رژیم طاغوت گذشته عراق را تقویت می کردند؛ پایه های حکومت آنها را متزلزل ساختند. اندیشه های شهید صدر (قدس سره) و آموزه ها و نظریه های او همچنان مورد نیازند. در شرایط کنونی برای انتشار و تبلیغ این اندیشه ها و ابلاغ آنها به دیگران امکانات بیشتری وجود دارند.

شهید صدر به سؤالات همه پاسخ می دادند و راههای سعادت و رستگاری انسانها را بیان می کردند. در علم کلام و فقه و اصول، سرشار از اطلاعات مفید بودند. ایشان نظریه اصلاح حوزه را مطرح ساختند؛ بدین معنا که حوزه باید توان به عهده گرفتن رهبری را در زمینه های گوناگون به عهده بگیرد تا با اتکاء به احکام جهان شمول اسلام بتوان راه مطمئنی را فراروی بشر قرار دهیم که به سعادت او منجر گردد.

شما در کدامیک از زمینه های علمی و فرهنگی با سید صدر (قدس سره) همکاری کرده اید؟

بنده توفیق نوشتن درسهای اصول فقه ایشان را داشتم و به راهنماییهای ایشان در تدریس به برخی از طلاب در مقدمات و برخی سطوح و فعالیتهای فرهنگی پایبند بودم. من ایشان را به منطقه تبلیغی خود در عراق و لبنان می بردم؛ درسهای فرهنگی ایشان را که مرجع بودند؛ در چند دفتر می نوشتیم. درس ایشان در تفسیر موضوعی قرآن، بیشترین تأثیر را در ساخته شدن شخصیت من داشت.

زمینه های شکل گیری سازمانهای حزبی و نقش شهید محمد باقر صدر در ایجاد و پیشرفت کار این سازمانها چه بوده است؟ شهید صدر (قدس سره) پی برده بودند که حمایت از اسلام و صیانت از آن، تنها با کار گروهی سازمان یافته امکان پذیر است (علیکم بنظم امرکم) «امور خود را سازماندهی کنید». کارهای تبلیغی را که از سوی یک نهاد، سرپرستی و برای آن برنامه ریزی و اوضاع موجود و نیازهای آن را بررسی نشود؛ بی نتیجه می دانست؛ زیرا مبلغ، نجات دهنده و راهنماست و باید خواسته های جوانان و مردم را پاسخگو باشد. ایشان معتقد بودند که روشنفکران برای پاسخگویی به مشکلات و مسائل ناشی از تهاجم فرهنگی و جریان الحادی و لائیک و مقابله با آنها به راهنما و رهبر دینی نیاز دارند؛ وگرنه در معرض التقاط